

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال ششم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۹۵، صفحات ۱۱۳-۱۴۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۷/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۲۴

جنگ‌های ایران و روس و نفوذ معماری دفاعی اروپایی در ایران مطالعه موردی: قلاع کوردشت و عباس آباد ارس

سجاد حسینی^۱

محمد باقر کبیر صابر^۲

چکیده

جامعه سنتی ایران در آغاز قرن ۱۹م. گرفتار اراده سلطه‌جویانه قدرت‌هایی شد که منافع آنها، منبعث از نظم نوظهور اروپایی بود. دولت‌های روسیه، فرانسه و انگلیس کنش‌گران اصلی این فرآیند استعماری، بیشترین مصائب را بر ایران و ایرانی به بار آوردند. در این میان، دولت روسیه تزاری با طمع‌ورزی به خاک ایران، آغازگر جنگی طولانی مدت شد. در روزگار دفاع نظامی ایران در برابر قشون روس، توجه به ملاحظات دفاع غیرعامل و در ذیل آن، معماری دفاعی، بخشی از برنامه نظامی ایران بود. در آن ایام شاهزاده عباس میرزا، نائب السلطنه قاجار، جهت نوسازی سازمان رزم، از برخی ممالک فرنگ کمک‌های مستشاری طلب نمود که در این فرآیند، برخی تجارب قلعه‌سازی اروپایی نیز به ایران انتقال یافت. نخستین تجارب قلعه‌سازی اروپایی در ایران در قالب ساخت قلاع کوردشت و عباس آباد واقع در سواحل رود ارس رقم خورد.

در پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای انجام پذیرفته، بخشی از حالات و مراتب معماری دفاعی قشون ایران در دوره مذکور در قالب طراحی و ساخت قلاع مذکور مورد بحث قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: معماری دفاعی، قلعه‌سازی، قلعه کوردشت، قلعه عباس آباد، رود ارس.

s.hoseini@uma.ac.ir

kabirsaber@ut.ac.ir

۱. استادیار تاریخ دانشگاه محقق اردبیلی

۲. استادیار معماری دانشگاه تهران

***Russo-Iranian wars and the influence of European
defensive architecture in Iran
Case study: Kurdasht and Abbasabad Castles of Aras***

S. Hoseini¹

M. B. Kabir Saber²

Abstract

Traditional Iranian society, at the beginning of the 19th century, was involved in aggressive determination of the world powers which their benefits had been derived from emerging European disciple. As the main actors of this colonialist process, the governments of Russia, France and UK, have brought most disasters to Iran and Iranians. Among them, the tsarist Russian government with a territorial greed toward Iran was the initiator of a long-term war. At the time of defence against Russian army, passive defence considerations and defensive architecture thereunder, was part of Iran's military program. At that time, Abbas Mirza, the crown prince of Qajar, asked for advisory assistance from some European countries in order to modernize the order of the battle. In this regard, some European castle-building experiences were transferred to Iran. The first European style castles of Iran were Kurdasht and Abbasabad castles, built in the beach of Aras river. This research, which is conducted using analytic-descriptive method and based on library resources, attempts to examine the qualities of defensive architecture of Iranian army at that period regarding their design and construction.

Keywords: Defensive Architecture, Castle-building, Kurdasht Castle, Abbasabad Castle, Aras River.

1 . Assistant Professor in History, University of Mohaghegh Ardabili (s.hoseini@uma.ac.ir)

2 . Assistant Professor in Architecture, University of Tehran (kabirsaber@ut.ac.ir)

مقدمه

دوران قاجار را باید مقطع تاریخی مشحون از تحولات شگرف برای جامعه ایران قلمداد کرد. از جمله مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رویدادهای این عصر، جنگ‌های ایران و روس بود که در نهایت با نتایج اسفباری برای ایرانیان خاتمه یافت. درباره علل وقوع و نیز پیامدهای این جنگ‌ها، نظرات و تحلیل‌های متنوعی تاکنون ارائه شده که هر یک از دیدگاهی خاص به بررسی موضوع پرداخته‌اند. اما یکی از نکات مغفول درباره این رخداد تاریخی، تبیین «اصول مهندسی جنگ» قشون ایران و نقش مستشاران نظامی اروپایی در شکل‌گیری آن در مواجهه با تدابیر نظامی قشون روس است. شاید از دلایل این کم‌کاری علمی، علاوه بر بُعد زمان و دگرگونی در ملاحظات دفاعی، کمبود مستندات کافی برای تحلیل مسأله باشد. بر مدار آنچه گفته شد، نوشتار حاضر که حاصل یک مطالعه تاریخی است؛ سعی دارد تا ضمن بررسی اصول معماری دفاعی ایرانی در کرانه رود ارس در دوره جنگ‌های مذکور به شناسایی تأثیرات کمک‌های مستشاری اروپاییان در این خصوص بپردازد. پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای به انجام رسیده و در آن به بررسی عینی بقایای برخی از استحکامات دفاعی قشون قاجاری در منطقه مذکور پرداخته شده است. شایان ذکر است که در بحث حاضر، قلاع «کوردشت» و «عباس‌آباد» به دلیل وجود مستندات نسبتاً کافی درباره آنها، محور اصلی سخن قرار گرفته‌اند.

با عنایت به اهمیت جنگ‌های ایران و روس و قرار گرفتن قلاع مذکور در نوار مرزی ایران و جمهوری آذربایجان انتظار توجه ویژه پژوهشگران تاریخ دو کشور بدین موضوع وجود داشت. ۱. اما بحث مذکور در نزد محققان هر دو کشور مغفول مانده و از حد اشارات جزئی در قالب مقالات و مداخل کم حجم بالا نرفته است.

موضوع قلعه کوردشت تنها در تاریخ‌های محلی آذربایجان، خصوصاً تاریخ‌های محلی

۱ - عدم بررسی و مطالعه این موضوع توسط پژوهشگران شوروی، می‌تواند ریشه در مسائل سیاسی داشته باشد. دولت شوروی همواره در پی پنهان نمودن وابستگی منطقه قفقاز به ایران بود. حال بررسی موضوع یک قلعه نظامی ایرانی در بخشی از اراضی قفقاز می‌توانست در تناقض با این سیاست باشد. نکته جالب اینکه سد ارس نیز دقیقاً در اراضی عباس‌آباد ساخته شد تا عباس‌آباد تماماً به زیر آب برود و حتی نمودی از خرابه‌های آن نیز باقی نماند.

قراداغ مورد به صورت مختصر مطرح شده است. نویسنده تاریخ ارسباران به ارائه اطلاعات در حد یک پاراگراف بسنده می‌کند و ضمن اشاره به نقش مهندسان خارجی و معماران داخلی زیر نظر عباس میرزا در ساخت این قلعه، در یک اظهار نظر اشتباه، قلعه کوردشت را نمونه تقلیدی از قلعه عباس آباد معرفی می‌نماید. این داده‌های تاریخی تماماً بدون ارائه مدرک و سند تاریخی مطرح می‌شود (بایبوردی، ۱۳۴۱: ۵۷).

منابع جمهوری آذربایجان خصوصاً دایره المعارف‌های جمهوری خودمختار نخجوان چون «دایره‌المعارف نخجوان» و «دایره‌المعارف بناهای تاریخی نخجوان» در مداخل کم حجم و مشابه، به معرفی مختصات کلی قلعه عباس آباد پرداخته‌اند. با عنایت به قرار گرفتن عباس آباد در زیر دریاچه سد ارس امکان بررسی‌های باستان‌شناختی در خصوص ماهیت این قلعه وجود ندارد و ادبیات علمی موجود در جمهوری آذربایجان در خصوص این قلاع از حد مذکور فراتر نمی‌رود.

۱- چارچوب نظری بحث

بر پایه تئوری‌های رایج حوزه برنامه‌دهی دفاعی، موفقیت در برابر تهاجمات نظامی، صرفاً در گرو برنامه‌ریزی برای نیروهای عمل‌کننده نظامی نیست؛ بلکه مستلزم توجه همزمان به مؤلفه دفاع غیرعامل هم می‌باشد.^۱ در منابع علمی، برای تبیین مفهوم دفاع غیرعامل و انتظاراتی که از آن می‌رود، تعابیر متنوعی به چشم می‌خورد، لکن به اختصار می‌توان گفت که دفاع غیرعامل به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌گردد که مستلزم به کارگیری جنگ‌افزار نبوده و با اجرای آن می‌توان از وارد شدن خسارات مالی به تجهیزات و تأسیسات حیاتی و حساس نظامی و غیرنظامی و تلفات انسانی جلوگیری نموده و یا میزان این خسارات و تلفات را به حداقل ممکن کاهش داد (ستاره، ۱۳۸۹: ۶۹). از دیدگاه مدیریت نظامی، دفاع غیرعامل مجموعه تمهیدات و اقداماتی را شامل می‌شود که با استفاده از ابزار، شرایط و حتی‌المقدور بدون نیاز به نیروی انسانی به صورت خوداتکاء صورت گیرد تا از یک

۱- جهت کسب اطلاعات بیشتر رک: احمد اصغریان جدی (۱۳۸۶)، الزامات معمارانه در دفاع غیرعامل پایدار، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

سو توان دفاعی مجموعه را در زمان بحران افزایش داده و از سوی دیگر پیامدهای بحران را کاهش و امکان بازسازی مناطق آسیب‌دیده را با کمترین هزینه فراهم سازد (ستاره، ۱۳۸۹: ۶۹). از آنجایی که نوع و شدت تهدیدات، همیشه و همه جا یکسان نیست، لهذا تدوین یک برنامه موفق برای دفاع غیرعامل، در گرو برآورد دقیق و واقعی از تهدیدات خواهد بود تا درجه خطر مشخص شود و بسته به آن، مأموریت پروژه، خلق ساختارهایی خواهد بود که در حد منطقی و در سطحی مناسب اقدامات احتیاطی را محقق نمایند^۱. در دنیای قدیم، ساختارهای مهندسی بشرساختی همچون بارو، برج و خندق، عناصر دفاعی در برابر اراده نیروهای مهاجم بیگانه بود. این اقدامات امنیتی با هدف بیرون نگه داشتن افراد مهاجم و معطل ساختن آنها در فاصله‌ای امن انجام می‌گرفت تا نتوانند صدمه زیادی وارد کنند و یا اینکه پیشروی آنها به سوی محل کندتر شود، تا بدین وسیله مدافعان، زمانی کافی برای آماده‌سازی خود در مقابل حمله را داشته باشند. مؤلفه‌های فیزیکی محافظت، چه طبیعی و چه ساخته انسان برای مدافعان امتیازی تاکتیکی در برابر افرادی که درصدد گزند رساندن به آنان هستند، فراهم می‌آورد (هوپر، دروگ، ۱۳۸۶: ۱). اما آنچه که عینیت یافتن و به فعلیت رسیدن عناصر فیزیکی دفاع غیرعامل را سبب می‌شد، بهره‌گیری از اصول و فنون مهندسی رایج در زمان بود. از این رو بسته به شرایط زمان و مکان، عناصر معماری دفاعی تجلیات مختلفی پیدا می‌کرد. آنچه که اینک از آن، تحت عنوان «معماری دفاعی» یاد می‌شود، در حقیقت معرفتی در ذیل معارف معماری است که هدف آن، طرح و خلق فضاهای معمارانه امن می‌باشد. اگر چه عبارت معماری دفاعی، عبارتی به ظاهر نوظهور است، لکن سرشتی بس قدیم دارد و بنیان‌های فکری آن را می‌توان در ترتیبات امنیتی اکثر اجتماعات کهن دنبال نمود.

۲- جنگ‌های ایران و روس

قاجارها در روزگاری به سلطنت رسیدند که در آن، رابطه با فرنگ و دنیای غرب امری گریزناپذیر بود. بر اساس معادلات جهانی قدرت در آن زمان، سه کشور مقتدر روسیه، فرانسه

۱ - جهت کسب اطلاعات بیشتر رک: مصطفی فرزام‌شاد (۱۳۸۶)، مبانی نظری معماری در دفاع غیرعامل، تهران: جهان جام‌چم.

و انگلیس حریصانه در جستجوی منافی برای خود در سرزمین ایران بودند. در میان این رقبا، روسیه، همسایه شمالی ایران، اغراض دیگری را نیز در نظر داشت و می‌کوشید آرمان راهبردی خود، یعنی اتصال به آب‌های گرم جنوب از طریق ایران را که سفارش پتر کبیر بود، محقق نموده و همچنین به هندوستان که مستعمره سرشار از منافع انگلیس بود، چنگی افکند (اتکین، ۱۳۸۲: ۱). متقابلاً انگلیس هم برای در امان نگاه داشتن هندوستان از گزند مطامع و تعدیات دول روسیه و فرانسه، نیازمند حضور مقتدرانه در فضای سیاسی - اجتماعی ایران و تعیین سرنوشت این مملکت بود. دولت فرانسه نیز برای ابراز قدرت و فشار بر دو رقیب مذکور، از هر گونه مداخله در امور ایران ابائی نداشت، خصوصاً اینکه سرکرده مقتدری چون ناپلئون را در رأس امور داشت و با به اتکا به نیروی وی نیات جهانگیرانه و حسیات رقابت جویانه خویش را تا سرزمین ایران تسری می‌داد. در چنین شرایطی، علنی‌تر شدن آمال سلطه‌جویانه روسیه نسبت به ایران، عرصه را برای ابراز وجود دو رقیب دیگر فراخ ساخت و فرانسه و انگلیس با ظاهری دوستانه، ولی با اهداف استعماری، روی خوش به دولت قاجار نشان دادند. ابتدا فرانسه با پیشنهاد اصلاح امور قشون و آموزش فنون نوین نظامی، نظر دربار قاجار را به خود جلب نموده و عهدنامه فین‌کنتساین را با ایران منعقد ساخت؛ اما دیری نپایید که با انعقاد عهدنامه تیلیسیت که پیمان دوستی ناپلئون با تزار روس بود، همکاری فرانسه با ایران عملاً متوقف و نتیجه آن شد که انگلیس یکه‌تاز میدان شود که آن نیز چندان سودی به ایران نبخشید. این گونه بود که ایران، با توطئه‌های گوناگون و نیز ضعف داخلی، قربانی بزرگ توسعه‌طلبی استعمارگران در سده‌های ۱۸ و ۱۹ م. و بخش بزرگی از اراضی خود را در تصرف بیگانگان دید.

ظهور قدرت دولت روسیه مقارن با افول قدرت صفویان زمینه ساز آغاز دست اندازی‌های روس‌ها در ایران شد. روس‌ها از همان دوران مترصد به چنگ درآوردن اراضی سرزمینی بودند که آنها را به آب‌های گرم عالم می‌رساند. پس در آن دوره فترت، نخستین گام‌های روسیه در راستای تعرض به خاک ایران برداشته شد. روس‌ها طی معاهده‌ای که در سال ۱۱۳۶ هـ.ق. / ۱۷۲۴ م. با دولت عثمانی انعقاد نمودند، اراضی ایران در سواحل دریای خزر را از آن خویش نمودند (لاکهارت، ۱۳۸۰: ۲۰۶).

این پیشروی که تا چندین قرن تداوم یافت و هر از چند گاهی با سدهای بزرگی چون ظهور نادر شاه افشار، مرگ کاترین و روی کار آمدن آغا محمد خان قاجار رو به رو شد. یعنی هر بار که پادشاه قدرتمندی در ایران به تخت می‌نشست و یا تزار و تزارسین محتشمی سریر قدرت روسیه را ترک می‌نمود، آرمان روسی پیشروی به جنوب متوقف می‌شد.

دولت روسیه در آغاز حکومت قاجار به دلیل واکنش‌های به موقع آقامحمدخان نتوانست از اقدامات جهانگیرانه خود نتیجه‌ای حاصل کند. روس‌ها بار دیگر در بعد از مرگ آقامحمدخان و در دوران سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار، با همان اهداف قبلی، قلمرو ایران در قفقاز را مورد تعرض قرار دادند و شعله جنگ‌هایی را برافروختند که همراهش، تحمیل قراردادهای گلستان (۱۲۲۸هـ.ق./ ۱۸۱۳م.) و ترکمانچای (۱۲۴۳هـ.ق./ ۱۸۲۸م.) بر دربار قاجار و جدایی بخش‌های وسیعی از کشور ایران بود. در این جنگ‌ها فرماندهی قشون ایران بر عهده عباس میرزا، نایب‌السلطنه قاجار، بود. او طی دو جنگ اصلی با روس‌ها که جنگ نخست، نه سال (۱۲۲۸-۱۲۱۸هـ.ق./ ۱۸۱۳-۱۸۰۴م.) و جنگ بعدی، دو سال (۱۲۴۳-۱۲۴۱هـ.ق./ ۱۸۲۶-۱۸۲۸م.) به طول انجامید، با هر تدبیری کوشید تا برتری نظامی را به دست آورده و مانع از موفقیت قوای دشمن شود. در واقع حکومت قاجار توان هم‌اوردی با توانمندی‌های پیشرفته نظامی روس‌ها و خدعه‌های سیاسی غربی‌ها را نداشت و ناچار ره به سازش برد و قراردادهای زینبار گلستان و ترکمانچای منعقد شد.

۳- معماری دفاعی اروپایی در ایران

توجه به معماری دفاعی در ایران قدیم، یک فرهنگ بود و برای خود اساس و اصولی داشت. این بدان دلیل بود که در طول تاریخ، موقعیت ژئوپلیتیک این سرزمین ایجاب می‌کرد که شهرها و سکونتگاه‌های ایرانی برای بقاء، نیازمند تمهیدات دفاعی ویژه‌ای باشند (جمشیدی، ۱۳۸۰). از این رو در فرهنگ معماری ایرانی، کاربست خردمندانه تدابیر دفاعی برای امنیت بخشیدن به شهر و شهروندان، رکن اصلی هر نوع برنامه‌ریزی کالبدی به شمار می‌آمد (حبیبی، ۱۳۸۴). معماران و استادکاران حرفه‌بنائی که مسئولیت آفرینش ساختارهای دفاعی بر عهده آنان بود، معمولاً به بهره‌ای از بصیرت و معرفت حرفه‌ای دست می‌یافتند که

با تجزیه و تحلیل محدودیت‌ها و قابلیت‌هایی که در محیط پیرامون‌شان بود؛ مؤثرترین راهکار دفاعی را پیشنهاد دهند. البته در معماری ایرانی نحوه تمهید اصول دفاعی در بطن ساختارهای عمرانی همیشه یکسان نبود و متأثر از روند تکامل فکری و فنی در هر شهر و منطقه‌ای متغیر بود (کبیرصابر، ۱۳۹۰). در این میان، قلاع نظامی به عنوان محل تجمع قوا، استحکاماتی بودند که کالبد و کارکرد آنها در طول تاریخ، به موازات پیشرفت جنگ‌افزارها و فنون رزمی در تغییر و تکامل بود؛ مضاف آنکه طرح ساختمانی این استحکامات، بیشتر بر بنیان معلومات و تجربه موجود نسبت به حمله و دفاع ریخته شده و در هر دوره‌ای، روش‌های آزموده و مقبول برای ایجاد این نوع ابنیه نظامی انتخاب می‌شد (میرسلیم و همکاران، ۱۳۷۵).

روابط ایران و اروپا در آستانه جنگ‌های ایران و روس، مرحله جدید و نابرابری را تجربه می‌کرد. در همین دوران عباس میرزا پس از جلوس پدرش به تخت سلطنت، یعنی هنگامی که ده ساله بود، لقب «نایب‌السلطنه» گرفت و به سمت بیگلربیگی آذربایجان به پایتختی تبریز منصوب گردید. او گرچه به هیچ زبان اروپایی سخن نمی‌گفت ولی بیش از هر یک از اعضای خاندان سلطنتی، روابط دوستانه بسیار گسترده‌ای با اروپاییان داشت. اروپاییانی که باور داشتند ایران به اصلاحات و میزان زیادی غربی شدن نیاز دارد، پیش از مرگ زودرس-ش در سال ۱۲۴۸ هـ.ق/ ۱۸۳۳ م. او را یگانه مردی می‌دانستند که قادر است اصلاحات و احیای حیات ملی را آغاز کند (آوری و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۹۵). این علاقمندی برای پذیرش تمدن اروپایی تنها از سر آرمان‌گرایی نبود، بلکه در وهله اول ریشه در علل سیاسی داشت. جنگ‌های ایران و روسیه به گونه‌ای پرنگ‌تر این نیاز را جلوه داد و در نتیجه نخستین کوشش‌های او در راستای اخذ تمدن غربی، شکل نظامی به خود گرفت.^۱ در چنین شرایطی

۱- برای اطلاعات بیشتر در خصوص پیوندهای عباس میرزا با اروپاییان ر.ک:

آندراس والدبورگر (۱۳۷۹)، *مبلغان آلمانی در ایران*، ترجمه: علی رحمانی و دیگران، تهران: وزارت امور خارجه، صص ۳۵-۲۹.
اگوست بن تان، یکی از نظامیان فرانسوی حاضر در ایران در خصوص علاقمندی عباس میرزا به پیشرفت ایران بر اساس اصول غربی می‌نویسد: «... بسیار علاقمند است بدانند چه عواملی باعث پیشرفت غرب گشته است و حاضر است همه سنت‌های ملی و مذهبی را برای پیشرفت ایران کنار بگذارد و هر گونه تأسیسات نظامی و غیرنظامی که لازم باشد به سبک غرب بنیان‌گذاری کند.» (بن تان، ۱۳۵۴، ۶۹).

بود که گفتمان جدیدی وارد فضای مباحثات معماری دفاعی در ایران شد. منظور از این سخن، مدد جستن عباس میرزا از دستاوردهای اروپاییان در زمینه طرح و خلق استحکامات نظامی است.

بررسی شواهد باقی مانده از دوره جنگ‌های ایران و روس نشان می‌دهد که عباس میرزا به موازات تأمین و تجهیز قشون که اساس «دفاع عامل» بود، به طرز گسترده‌ای نیز اقدام به تأسیس استحکامات نظامی که ساختارهای «دفاع غیرعامل» محسوب می‌شدند، نمود. تمهید چنین تدابیری، گواه آن است که وی به فراست دریافته بود که تدبیر ملاحظات دفاع غیر عامل، علاوه بر بالا بردن قدرت بازدارندگی، سهم عمده‌ای هم در کارآمدی قشون دارد. در تحلیل موضوع حاضر، یکی از نکات حائز اهمیت، ارتباط امر «ضرورت معماری دفاعی» با «مدت زمان جنگ» است. با طولانی شدن جنگ و تداوم مناقشات، ضرورت حفظ نفرت و ادوات نظامی در شرایط و حالات مختلف پیش آمد که حل این مسأله، پرداختن به مقوله معماری دفاعی را به یک اولویت راهبردی در برنامه نظامی ایران بدل نمود.

قشون تحت امر عباس میرزا در سال‌های نخست جنگ، فاقد انضباط نظامی مؤثری بود و بدین سبب در جبهه قفقاز شکست‌های سختی را متحمل و اراضی وسیعی را از دست داد. با این وجود عباس میرزا امیدوار بود با انجام تغییرات و نوسازی قشون، بتواند شکست‌ها را جبران و اراضی از دست رفته را پس گیرد. در سال ۱۲۲۲هـ.ق. / ۱۸۰۷م. با مساعی دربار قاجار، مذاکراتی که ایران و فرانسه از دو سال پیش آغاز کرده بودند، ثمر داد و عهدنامه فین‌کنشتاین بین دولتین ایران و فرانسه منعقد و عباس میرزا به مساعدت‌های فرانسه برای نوسازی سازمان رزمی خود دلگرم شد. اما، چند ماه بعد با انعقاد عهدنامه صلح تیلیسیت بین فرانسه و روسیه، همکاری‌های فرانسه با ایران عملاً قطع و دولت قاجار که به کمک‌های نظامی و مستشاری فرانسه دل بسته بود، به یکباره در سخت‌ترین شرایط جنگی به حال خود رها شد (شمیم، ۱۳۴۵: ۵۷؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۶: ۲۱۶-۲۱۰).

جدول ۱: فراز و فرود روابط سیاسی-نظامی و فرانسه در دوران جنگ‌های ایران و روس

تاریخ	رویداد
۲۶ صفر ۱۲۲۲ ه.ق. / ۴ مه ۱۸۰۷ م.	انعقاد عهدنامه فین کنشتاین بین ایران و فرانسه
۲ جمادی‌الاول ۱۲۲۲ ه.ق. / ۷ ژوئیه ۱۸۰۷ م.	انعقاد عهدنامه تیلیست بین روسیه و فرانسه
۲۴ شوال ۱۲۲۲ ه.ق. / ۲۴ دسامبر ۱۸۰۷ م.	ورود عهد مستشاران نظامی فرانسه به ایران به رهبری ژنرال گاردان
۲۷ ذی‌الحجه ۱۲۲۳ ه.ق. / ۱۲ فوریه ۱۸۰۹ م.	بهبود روابط ایران و انگلیس و ترخیص ژنرال گاردان

هر چند معاهده تیلیست بلافاصله دو ماه بعد از انعقاد عهدنامه فین کنشتاین بسته شد، اما دولت فرانسه تا مدت‌ها بر تعهدات خود در قبال دولت ایران وفا کرد. چرا که به هنگام ورود هیئت مستشاری فرانسه به تهران، ماه‌ها از انعقاد معاهده تیلیست گذشته بود، با این وجود فرانسویان بر بخشی از تعهدات خود جامه عمل پوشاندند. نکته جالب اینکه مدت‌ها بعد، زمانی که دولت فرانسه، ژنرال گاردان را از ادامه کار در ایران منع نمود، وی بر تداوم فعالیت‌هایش در ایران تأکید کرد. هیئت مستشاران نظامی فرانسه در بسیاری از موارد مخفیانه کمک‌های مستشاری خویش را ارائه نمودند و بر انتقال تجربیات و دانش نظامی خویش به ایرانیان اصرار ورزیدند (شمیم، ۱۳۴۵: ۶۱-۶۲). چنین اشتیاقی در طرف مقابل نیز یافت می‌شد. اطلاعات موجود در منابع ایرانی و اروپایی، مبین میزان جدیت بالای عباس میرزا نسبت به دانش‌اندوزی خود و افرادش از مستشاران مذکور به هنگام حضور در ایران می‌باشد. در این بین نقش یکی از این فرانسویان بنام موسیو لامی، بی‌بدیل و پررنگ بوده است. لامی از اعضای هیئت مستشاران نظامی بود که بعد از انعقاد عهدنامه فین کنشتاین به رهبری ژنرال گاردان وارد ایران شدند. او متخصص توپخانه بود و بعد از ورود به ایران جهت مشاوره نظامی به اردوی عباس میرزا در آذربایجان پیوست. ر.ک: (شمیم، ۱۳۴۵: ۵۹، ۶۰؛ کرزن، ۱۳۸۰: ۷۳۲؛ شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۹۲؛ Gardane, 1865, 26).

گاسپار دروویل، یکی از اعضای هیئت مستشاران نظامی فرانسه، درباره نقش موسیو لامی در آموزش عباس میرزا و نیروهای نظامی زیردستش می‌نویسد: «میان چند تن از افسران لایقی که وابسته به سفارت فرانسه بودند، سروان مهندسی به نام لامی بود. عباس میرزا نزد او درس ریاضیات می‌خواند و در این زمینه پیشرفتهای سریعی نمود. به دستور ولیعهد، تالیفات نظامی گبیرت و نظامنامه‌های مانورهای پیاده‌نظام را ترجمه کردند. رسم فنی را تا حدودی که بتواند نقشه‌ی صحیحی بکشد فراگرفت ولی چون درک کرد که نمی‌تواند این فنون را به زیردستان خود بیاموزد از این‌رو از سروان نامبرده دعوت کرد که بین افسران شانزده نفر را به عنوان شاگرد انتخاب کند. عباس میرزا شخصا در سر درس آنها حاضر می‌شد و با دقت به سخنان معلم گوش می‌داد و با کلمات تشویق‌آمیز حس رقابت افسران جوان را برمی‌انگیخت» (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۷۴-۱۷۵).

مأثر السلطانیه رسمی‌ترین منبع مربوط به شرح جنگ‌های ایران و روس نیز از نقش برجسته لامی در این خصوص سخن می‌گوید: «همچنین جمعی از آدمی‌زادگان این دیار را که به فطانت و کیاست معروف بودند به تعلیم علم هندسه و ساختن قلعه‌ها و دانستن آداب و شناختن مکان طعن و ضرب مقرر فرمودند و حکم اشرف به موسی [موسیو] لامی فرانسه که مهندس زیرک و فیلسوفی صاحب مدرک بود شرف نفذ یافت که متوجه تعلیم ایشان بوده آن چند را در اندک روزگاری صاحب فن نماید. موسی [موسیو] لامی به موجب فرموده عمل نمود در عرض مدت دو سال چند نفر مهندس زیرک به مرتبه کمال رسیده یکی از آنها علم به لغت فرانسه و دیگران از علم هندسه به هم رسانیدند» (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۴۵). در بخش دیگری از این کتاب آمده است: «[لامی] حسب الامر نایب السلطنه مشغول تعلیم علم هندسه و آموختن رسوم مهندسی به قاعده فرانسه به چند نفر جوانان زیرک صاحب فراست و کیاست شد» (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۷۲).

اگوست بن‌تان، دیگر مستشاران نظامی هیئت فرانسوی ژنرال گاردان، نیز در گزارش‌های خود از ایران می‌نویسد: «در این زمان وظایف من بی‌اندازه زیاد بود. نقشه قلعه و ماشین آلات گوناگون را ترسیم می‌کردم و [...]» (بن‌تان، ۱۳۵۴: ۱۰۷). او همچنین به نقشه قلعه‌ای اشاره می‌کند که به دستور عباس میرزا تهیه و ترسیم کرده و فتحعلی‌شاه

نسبت بدان ابراز علاقه نموده بود (بن‌تان، ۱۳۵۴: ۱۰۳-۱۰۲).

بعد از قطع همکاری‌های فرانسویان، دربار قاجار برای کسب معاضدت‌های نظامی، متوجه انگلیس شد. در آن زمان منافع انگلیس ایجاب می‌نمود که از چنین حمایتی دریغ نکند. دو هیأت سیاسی انگلیس به سرکردگی سرهاردجونز و سر جان مالکم در فاصله سال‌های ۱۲۲۳هـ.ق. / ۱۸۰۹م. و ۱۲۲۴هـ.ق. / ۱۸۱۰م. وارد ایران شدند. یکی از کمک‌های انگلیسی‌ها در آن دوره، همکاری با نظامیان ایرانی در زمینه قلعه‌سازی بود. هیئت افسران انگلیسی تحت ریاست میجر کریستی پس از ورود به ایران، نسبت به تحکیم مواضع و استحکامات ایرانیان در طول رود ارس و همچنین آموختن فنون نظامی به افراد سپاه عباس میرزا اقدام نمودند. البته این کمک‌های مستشاری پایدار نبود و به زودی دولت انگلیس نیز بسان فرانسه از هر گونه یاری نظامی ایران دست کشید (جونز، ۱۳۸۶: ۲۱۹؛ ایران اردوسی تاریخچه‌سی، ۱۳۲۶: ۲؛ شمیم، ۱۳۴۵: ۶۹، ۷۰).

با وجود شرایط نامساعد کمک‌های مستشاری غرب به ایران، مساعی مجدانه عباس-میرزا در زمینه کسب فنون نوین قلعه‌سازی قرین توفیق بود و درست در دوران بحرانی جنگ‌های ایران و روس، برخی از تجارب فنی اروپاییان در این زمینه به ایرانانتقال یافت.^۱ از نخستین قلاعی که ایرانیان با کمک مستشاری اروپائیان ساختند، می‌توان به قلعه کوردشت (در ساحل جنوبی رود ارس) و قلعه عباس آباد (در ساحل شمالی) اشاره داشت که در این مجال مورد مطالعه و مذاقه قرار می‌گیرد.^۲

۱ - بعدها نوه عباس میرزا، ناصرالدین شاه قاجار که خود را گشاینده درهای فرنگ سوی ایران می‌دانست، راه پدر بزرگ را ادامه داد و به «انتشار علم ساختن قلعات محکم و کشیدن حصار» و «علم قلعه فوری» در ایران به سبک فرنگیان همت گماشت (اعتمادالسلطنه، بی‌تا: ۹۲).

۲ - ه نظر می‌رسد عباس میرزا اهتمام ویژه‌ای به امور عمرانی آذربایجان و از آن جمله قلعه‌سازی در این ایالت داشته است. علاوه بر قلاع کوردشت و عباس آباد، در منابع تاریخی از قلاع دیگری چون قلعه اردبیل، قلعه ثانی تبریز، قلعه متینه خوی، قلعه ایروان، قلعه النجق نخجوان و قلعه نظاره اردوباد نیز یاد شده که با کارکردهای مختلف نظامی، دفاعی، امنیتی و ... به اهتمام عباس میرزا ساخته یا بازسازی شده‌اند. (موسوی طبری، ۱۳۵۳: ۱۰۰-۹۳؛ تبریزی، ۱۳۸۸: ۳۳۶؛ رضا قلی میرزا قاجار، ۱۳۴۶: ۳۷، ۳۸).

۴- قلعه کوردشت

قلعه کوردشت در ساحل جنوبی رود ارس معروف به محال دیزمار^۱ و در ۷۰ کیلومتری شرق شهر جلفا و در نزدیکی روستایی به نام کوردشت واقع شده است. بر اساس اطلاعات منابع تاریخنگاری دوره قاجار، این قلعه از آثار عباس‌میرزا است (نادرمیرزا، ۱۳۶۰: ۱۷۳؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۶۱۷) و آن را در ایام جنگ جهت «مصلحت سرحدیه» بنا نهاد (جهانگیر میرزا قاجار، ۱۳۲۷: ۱۸۸). مشهور است که قلعه کوردشت، یکی از مراکز فرماندهی جنگ و از مکان‌های استقرار عباس‌میرزا بود.

بررسی علل انتخاب مکان قلعه، چند واقعیت بارز را آشکار می‌نماید: نخستین این علل، ملاحظات امنیتی می‌باشد. چرا که قلعه در باریکه‌ای مابین دره رود ارس و کوهستان‌های جنوبی آن ساخته شده و به لحاظ طبیعی حائز اهمیت سوق‌الجیشی است.^۲ از سویی دیگر، کوردشت به منطقه مگری (مقری) واقع در شمال رود ارس که یکی از جبهه‌های مهم جنگ‌های ایران و روس بود، نزدیکی داشت. با انتخاب این مکان با مقتضیات مذکور، بر قابلیت دفاعی قلعه افزوده شد و امکان مقابله با تهدیدات تضاعف یافت. همچنین رودخانه ارس به عنوان یک منبع حیاتی، تصور هر گونه بی‌آبی را در قلعه از بین برد و بدین ترتیب مسئله نیاز به آب در دوران مقاومت‌های طولانی مدت را مرتفع ساخت.

در ادوار پیش از قاجار نیز کوردشت به عنوان مکان مناسبی برای قلعه‌سازی شناخته شده بود. این امر را می‌توان از بقایای قلاع تاریخی پیش از اسلام در حوالی کوردشت^۳،

۱ - حمدالله مستوفی در عهد مغول نیز کوردشت را از توابع دیزمار معرفی می‌کند: «دزمار ولایتی است در شمال تبریز کما بیش پنجاه پاره دیه بود و دوزال و کوردشت و قولان و هرا و خور و ائق از معظمت آن. هوایش معتدل است به گرمی مایل و آبش از آن جبال برمی‌خیزد و فاضلابش در ارس می‌ریزد حاصلش غله و پنبه و میوه به همه انواع می‌باشدو بیشتر از همه جا رسد و نوباوه تبریز از آنجا باشد.» ر.ک: (مستوفی، ۱۹۱۳: ۸۸).

۲ - «مقرر شده بود که در کوردشت دزمار قلعه که یک طرف آن رود ارس باشد بنا شود [...]» (دنبلی، ۱۳۵۱: ۲۵۰).

۳ - این قلعه به قلعه گااور معروف است که آثار به دست آمده در محوطه آن به اواخر دوره اورارتویی در قرن ۶ ق.م. مربوط می‌شود (جلالی عزیزیان، ۱۳۷۸: ۳۴۹)؛ اورارتو یکی از تمدن‌های باستانی در شمال غربی فلات ایران مربوط به اوایل هزاره اول قبل از میلاد می‌باشد. یادگارهای بسیاری از این تمدن در مناطق مختلف آذربایجان، قفقاز و ترکیه برجای مانده است. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: بوریس ب. پیوترووسکی (۱۳۸۱)، /اورارتو، ترجمه: رشید برناک، تهران: اندیشه نو؛ علاوه بر این لفظ گااور نیز خود نشانگر ارتباط این اثر با تمدن‌های پیش از اسلام است. چرا که این لغت در زبان ترکی آذربایجانی مترداف با کافر و نامسلمان می‌باشد. ر.ک: (Azərbaycan dilinin izahlı lüğəti, c2, 2006, s 214).

وجود واژگانی مرتبط با قلعه و دژ در وجوه تسمیه اعلام جغرافیایی آن ناحیه^۱ و همچنین گزارش منابع پیش از قاجار درباره وجود قلعه در اراضی آن دریافت.^۲

طبق مستندات موجود، طرح و ساخت قلعه کوردشت در دوره قاجار، حاصل همکاری مشترک مهندسين ایرانی اروپایی می‌باشد. در کتاب «مآثر سلطانیه» درباره ساخت این قلعه آمده است: «...» و چون در ابتدای بهار [سال ۱۲۲۶ هـ.ق. / ۱۸۱۱ م.] مقرر شده بود که در کوردشت دزمار[،] قلعه که یک طرف آن رود ارس باشد بنا شود و نظر به اتصال طرف دیگر قلعه به کوه که موهم سرکوب بود مهندسان فرنگی و ایرانی تردید و تأملی در بنای قلعه مزبور داشتند[،] نواب نایب‌السلطنه خود ایلغار به آنجا فرموده ملاحظه وضع قلعه را نمود و به طریقی خالی از هر گونه علت و نقص بنای قلعه را گذاشته دستورالعملی به مهندسان عنایت فرموده مراجعت به دارالسلطنه تبریز فرمودند» (دنبلی، ۱۳۵۱: ۲۵۱-۲۵۰). این نوع اشارات تاریخی که در برخی منابع مکتوب قاجاری مندرج شده، بیانگر این حقیقت است که عباس میرزا نسبت به کیفیت ساخت قلعه کوردشت حساسیت و نظارت داشته و نظرات او در پیشبرد کار، دخیل بوده است. بعد از دور اول جنگ‌های ایران و روس و در آستانه شروع دور دوم این جنگ‌ها، بار دیگر عباس میرزا به این قلعه توجه نموده و نسبت به تعمیر و ارتقای کیفیت کالبدی و کارکردی آن اقدام می‌نماید. همچنین جهت بالا بردن ضریب امنیت

۱ - در بخش نخست اعلام جغرافیایی «دزمار» و یا «دیزمار» (عنوان محال قرارگیری قلعه کوردشت و قلعه‌ای در اردوباد در مجاورت کوردشت) و «دوزال» (روستای مجاور قلعه کوردشت) واژگان «دژ»، «دیز» و «دوز» مشهود است. این لغات را باید اشکال تغییر یافته، معرب و محلی شده لغت «دژ» به معنی قلعه دانست. ر.ک: (تبریزی، ۱۳۴۲: ۸۵۰؛ تبریزی، ۱۲۶۰: ۹۴؛ کاتوزیان، ۱۳۱۱: ۳۸۸؛ لسترینج، ۱۳۸۳: ۱۸۰).

۲ - در تاریخ عالم آرای عباسی در توصیف سفر شاه عباس اول صفوی به کوردشت و دوزال از این دو موضع جغرافیایی با عنوان قلعه یاد شده است: «نخست بدوزال و کوردشت که دو موضع است از قری و مواضع الکاء دزمار در کنار رود ارس بر جانب جنوبی واقع شده وارد گشته سه روز در آنجا توقف نمودند و این هر دو موضع دو قلعه‌ایست از قطعات ریاض جنان» (ترکمان، ۱۳۸۲: ۷۵۵). معاصر با دوران زند و در زمان قدرتگیری خان نشین قراباغ، قلعه کوردشت به عنوان حاکم نشین قراداغ دارای برج و باروی مستحکمی بوده است. در این زمان ابراهیم خلیل خان جوانشیر قراباغی، خان قدرتمند قراباغ، با مساعدت نیروهای لرگی تحت فرمان هم پیمانانش عمه خان آواری، حاکم داغستان، قلعه کوردشت را مورد حمله خویش قرار می‌دهد و به اذعان منابع تاریخنگاری محلی قراباغ، قلعه مذکور را «با صحرا و دشت یکسان» می‌سازد (Mirzā Adıgözəl bay, 2006: 57; Xəzani, 2006: 147;) (Olizadə, 2006: 91؛ قراباغی، ۱۳۹۰: ۱۷۵، ۱۷۶).

محیط، دستور ساخت برج‌هایی بر فراز کوه‌های مگری (ارتفاعات حوالی کوردشت) صادر می‌شود (جهانگیر میرزا قاجار، ۱۳۲۷: ۹).

شایان ذکر است که عباس‌میرزا در بیرون از قلعه کوردشت و نزدیک به آن، دستور ساخت یک حمام بزرگ و نیز یک یخچال عمومی را هم داده بود.^۱ به نظر می‌رسد دلیل مکان‌یابی این دو بنا در خارج از حصار نظامی، نیت عام‌المنفعه بوده باشد، تا علاوه بر افراد قشون، شهروندان غیر نظامی هم بتوانند از آنها بهره ببرند.

۶- قلعه عباس آباد

از دیگر آثار معماری دفاعی ایرانی که متعلق به دوره جنگ‌های مذکور می‌باشد، «قلعه عباس‌آباد به ساحل ارس» است (نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۱۷۳). ابداع این عنوان و منسوب داشتن این قلعه به شخص نایب‌السلطنه، نشان دهنده ارزش و اهمیت وافر آن می‌باشد. در برخی منابع، از این قلعه به تبع نام منطقه استقرار، با نام «قلعه یزدآباد نخجوان» نیز یاد شده است. یزدآباد منطقه‌ای در جنوب شرق شهر نخجوان است که نام خود را از قلعه‌ای قدیمی بدین نام گرفته است.^۲ تأسیس قلعه عباس‌آباد در اراضی نزدیک به قلعه مخروبه یزدآباد نشانگر این واقعیت است که پیش از جنگ‌های ایران و روس و در ادوار گذشته، اهمیت سوق الجیشی این مکان بر انسان‌های دنیای قدیم نیز معلوم بوده است. پیشتر در اراضی محل تأسیس این قلعه، روستای بزرگی بنام «آستاباد» قرار داشت. نام و نشان «آستاباد» از قرن ۱۴م. در منابع و اسناد رسمی مشهود است. در قرون ۱۸ و ۱۹م. به تدریج این عنوان به

۱ - طبق شواهد موجود و نویافته‌های مرمی، سابقاً در این مکان، حمامی قدیمی و لکن کوچک‌تر وجود داشت که با احداث حمام جدید و بزرگ‌تر توسط عباس‌میرزا، از آن صرف نظر شد.

۲ - بقایای قلعه باستانی یزدآباد در جنوب شرقی شهر نخجوان واقع است. این قلعه با نام علمی «یزدآباد» و با عناوین عامیانه «کهنه قالا» (قلعه کهنه) و «تورپاق قالا» (قلعه خاکی) شناخته می‌شود. تاریخ دقیق تأسیس آن مشخص نیست، اما برخی از پژوهشگران ضمن مطالعه در خصوص وجه تمسیه این قلعه، آن را به یزدگرد ساسانی (۶۵۱-۶۳۲م.) ربط می‌دهند. با این وجود در کاوش‌های مربوط به سال‌ها ۵۹-۱۹۵۷م. نمونه‌هایی از آثار باستانی چون ظروف سفالی و آیینه‌های سنگی از محوطه تاریخی این قلعه به دست آمد. مطالعات باستان‌شناسی معلوم ساخت که این آیینه‌های سنگی در عصر برنز در هزاره‌های سوم و دوم پیش از میلاد در معادن نمک نخجوان به کار گرفته می‌شد. بر اساس نقشه ترسیم شده در سال ۱۸۲۷م. این قلعه از دو بخش قلعه کوچک و بزرگ تشکیل شده است. قلعه بزرگ بیشترین آسیب‌ها را متحمل شده است. رک: (Naxçıvan abidələri ensiklopediyası, 2008, s).

فراموشی سپرده شد و این منطقه به نام معبد واقع در آن، «قزل بورون» نام گرفت. آستاباد در نتیجه جنگ‌های فتودالی نابود شد. این روستا از مراکز عمده حضور حروفیه بوده است و بنا بر نظر برخی از محققان فضل الله نعیمی منسوب به آستاباد می‌باشد (Naxçıvan abidələri ensiklopedyası, 2008, s 28; Naxçıvan ensiklopedyası, c1, 2005, s 39).

در کتاب مآثر سلطانیه ضمن احصاء برخی اقدامات عمرانی عباس میرزا، شرحی درباره این قلعه آمده است: «دیگر ساختن قلعه‌های رفیع بناست که هر یک به طرز قلعه‌های فرنگ ساخته شده» [،] اول بنای قلعه متینة عباس آباد است. در سنه هزار و دویست و بیست و پنج [۱۲۲۵ هـ.ق. / ۱۸۱۰ م.] حسب الامر نواب نایب‌السلطنه در یزدآباد نخجوان قلعه منیع‌الارکان که یک سمت آن به رود ارس متصل و اطراف دیگرش صحرا و دیوارهای او بصخره صما خندقش باب رسیده و دشمن از گرفتنش طمع بریده و اضلاع بیرونش مثلث و سر بر سپهر افراشته و درونش به انواع غلات و حبوبات و سرب و باروت انباشته و توپ‌ها در بالای بروج نصب داشته [...]» (دنبلی، ۱۳۵۱: ۱۳۶-۱۳۵). جهانگیر میرزا، فرزند عباس میرزا نیز ضمن شرح اقدامات پدرش می‌نویسد: «از ابنیه‌ای که عمارت فرمودند [،] قلعه متینه عباس آباد است که در کنار آب ارس در خاک نخجوان ساختند، قلعه‌ای است که اگر نظیری برای او باشد در ممالک فرنگستان به ندرت مثل او یافت شود» (جهانگیر میرزا قاجار، ۱۳۲۷: ۱۸۸).

همچنین در این خصوص میرزا فضل‌الله شیرازی می‌نگارد: «عباس آباد که از مستحدثات نواب ولیعهد زمان [عباس میرزا] و واقع در دو فرسخی قصبه نخجوان و قریب به رودخانه ارس به فاصله دو میدان است [...]» (شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۶۴۸).

منتخب التواریخ دیگر منبع دوره قاجار، عباس آباد از محدثات عباس میرزا معرفی نموده است (هدایت، ۱۳۷۳: ۴۰۵).

یکی از وجوه اشتراک قلعه عباس آباد با قلعه کوردشت، طرح افکنده شدن هر دو در کنار رود ارس است. تنها با این تفاوت که بر خلاف قلعه کوردشت، قلعه عباس آباد در ساحل

شمالی رودخانه بنا نهاده شده است. بدین ترتیب در مکان یابی این قلعه نیز ملاحظات امنیتی جزو ملاک‌های تعیین کننده بود و بدین ترتیب قلعه در میان دره رود ارس و کوه‌های سترگ استقرار یافت. بارون فیودورکوف، سیاح و محقق روس که در سال ۱۲۵۰ هـ.ق./۱۸۳۴ م. در مسیر حرکت از نخجوان به جلفا متوجه قلعه عباس‌آباد شده بود، درباره آن می‌نویسد: «...» هنوز به گذرگاه نرسیده بودم که در کنار جاده چشمم به قلعه عباس‌آباد افتاد. این قلعه را ۲۵ سال پیش [مطابق با سال ۱۲۲۵ هـ.ق./ ۱۸۱۰ م.] عباس میرزا بر طبق نقشه یک مهندس فرانسوی که در استخدام او بوده، ساخته است» (فیودورکوف، ۱۳۷۲: ۸۲). البته برخی منابع، ساخت این قلعه را توسط مهندسان ایرانی ذکر نموده‌اند، اما بر این حقیقت نیز اعتراف داشته‌اند که این مهندسان، از شاگردان موسیو لامی فرانسوی بوده و قلعه را به سبک اروپایی ساخته‌اند. «چون مهندسان شاهزاده کامران رسم قلعه‌سازی طرح فرنگ را از موسی [موسیو] لامی مهندس فرانسه که در فراست و فطانت بی‌نظیر و درین فن و فنون دیگر، از هندسه و حساب، کمال مهارت داشت [،] فراگرفته و علم هندسه و ترتیب تیپ و تعیین محل فرود آمدن اردو، و سد رخنه دشمن در محل سقناق [پناهگاه] و سنگر و ساختن قلعه به طرح فرنگ از او آموخته بودند، طرح‌ریزی کرده بنای ساختن آن نهادند» (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۹۲).

در یادداشت‌های ژنرال تره‌زل، از اعضای هیئت مستشاران نظامی ژنرال گاردان به تاریخ ۵ صفر ۱۲۲۴ هـ.ق./ ۲۳ مارس ۱۸۰۹ م.، یعنی یک سال قبل از احداث قلعه عباس‌آباد، سخن از سیاحت موسیو لامی در «کنار ارس و نخجوان» به میان آمده است. بی‌تردید هدف از این سیاحت در آخرین روزهای حضور هیئت فرانسوی در ایران، طرح قلعه عباس‌آباد بوده است (دوما، ۱۳۶۱: ۸۳).

طبق مستندات موجود، عباس‌میرزا شخصاً بر کیفیت ساخت این قلعه توجه می‌نموده است. «عباس‌میرزا نایب‌السلطنه» درین سال عزم گنجه و گرجستان را موقوف داشته اوقات را به لوازم سرحداری مصروف سازند، تا قلعه یزدآباد [(قلعه عباس‌آباد)] که به طرح فرنگ ساخته و پرداخته می‌شد، در کمال استواری و تدارک و استجماع و انواع آذوقه و اسلحه قلعه‌داری به اتمام رسد» (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۹۱). تمهید انبارهای آذوقه و سلاح، جهت فراهم

ساختن امکان مقاومت طولانی در برابر تهدیدات خارجی، و نیز استواری و فراخی قلعه جهت استقرار نفرات کثیر، یکی دیگر از ویژگی‌های ساختاری این قلعه بود. «درونش به انواع غلات و حبوبات و سرب و باروط انباشته و توپ‌ها در بالای برج نصب داشته [...]» (دنبلی، ۱۳۵۱: ۱۳۵).

از نکات جالب توجه دیگر درباره این قلعه، احداث یک پل اختصاصی از جنس چوب در برابر آن بود تا امکان ترابری نفرات و ادوات بین قلعه با کرانه جنوبی رود ارس به سهولت و سرعت انجام پذیرد. نکته امنیتی مهم در طرح و ساخت این پل، مجهز بودن آن به یک دروازه برای کنترل تردد بوده است. «[...] و چنان تعمیر شده که بر رودخانه ارس جسر [پل] بسته، دروازه لب جسر واقع شده [است]. گویا رودخانه ارس خندقی است و جسر تخته پلی است که بر او بسته‌اند» (جهانگیر میرزا قاجار، ۱۳۲۷: ۱۸۸).

در مقابل این پل و در اراضی جنوب رود ارس به شعاع سه ورست دژ کوچکی^۱ از متعلقات عباس‌آباد ایجاد شده بود تا امنیت پل را تأمین نماید و در صورت هجوم دشمن از جنوب رود ارس، دسترسی دشمن از طریق پل رود ارس به عباس‌آباد را به تأخیر اندازد (انوری، ۱۳۹۴: ۲۷۷).

عباس میرزا برای ساخت قلعه عباس‌آباد، هزینه‌ای به میزان یک کرور^۲ متحمل شده بود (جهانگیر میرزا، ۱۳۲۷: ۱۸۸). در عوض او از نتیجه کار خرسند بود و بدان فخر می‌ورزید؛ به نحوی که سعی می‌نمود استحکام و زیبایی آنرا به رخ میهمانان خارجی خود بکشد^۳. یکی از

۱ - با وجود واقع شدن این دژ کوچک در جنوب رود ارس، به دلیل تعلق آن به قلعه عباس‌آباد، در بعد از انعقاد معاهده ترکمانچای جز اراضی روسیه تزاری قرار گرفت. با انعقاد قراردادی بین ایران و روسیه تزاری در ۸ ژوئن ۱۸۹۳ م. این دژ کوچک به ایران واگذار و در مقابل قریه فیروزه واقع در شمال قوچان ضمیمه خاک روسیه تزاری شد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۶: ۳۰۸).

۲ - معادل پانصد هزار، ر.ک: (دیانت، ۱۳۶۷: ۲۷۷).

۳ - ساخت این قلعه نیز در اواخر فصل بهار صورت می‌گیرد تا به دور از سرمای زمستان فعالیت‌های ساخت و ساز مؤثرتر انجام شود منابع مدت زمان ساخت قلعه عباس‌آباد را از سه ماه تا دو سال بیان داشته‌اند. اشرف‌خان دماوندی که تجربه قلعه‌داری ایروان را به هنگام محاصره ارتش روسیه داشت به عنوان ناظر بر عملیات ساخت و ساز این قلعه مدیریت و نظارت داشته است بعدها عبدالله‌خان دماوندی فرزند اشرف‌خان به عنوان مستحفظ این قلعه تعیین می‌شود و هزار نفر تفنگچی دماوندی در رکاب وی گماشته می‌شوند و این چنین سرنوشت قلعه عباس‌آباد با سرنوشت نیروهای دماندی پیوند می‌خورد (جهانگیر میرزا قاجار، ۱۳۲۷: ۱۰).

این خارجیان، بارونت، ایلچی دولت بریتانیا بود: «سر هر فرد جنس بارونت ایلچی دولت علیّه انگلیس بعد از ملاحظه جسری که از چوب بر رود ارس متصله به قلعه ساخته شده بود، انگشت حیرت به دندان گرفته با وصف عداوت زایدالوصف که فیما بین دولتین فرانسه و انگلیس می‌باشد، اذعان نمود که این کار انحصار به موسی [موسیو] لامی دارد و الحق در این فن عدیلی برای او در کل فرنگستان نیست. و کذالک ایلچی مشارالیه اعتراف نمود که از عهده اتمام چنین قلعه برآمدن درین مدت قلیل اختصاصی به دولت قوی مکت ایران دارد، و آلا در هیچ از ممالک عالم ممکن نیست که در عرض دو سال، چنین قلعه با تدارکی چنین آماده و مهیا گردد» (دنبلی، ۱۳۸۳، همان).

در آستانه جنگ‌های دوم ایران و روس، قلعه عباس‌آباد نیز مانند قلعه کوردشت جهت ارتقاء قابلیت‌های رزمی تجهیز شد و عباس‌میرزا از آن بازدید نمود و به انتظام امور توپخانه، قورخانه و ذخیره مایحتاج آن پرداخت (جهانگیر میرزا قاجار، ۱۳۲۷: ۱۰؛ مستوفی انصاری، ۱۳۴۹: ۴۹). نائره جنگ در سال ۱۲۴۱ هـ.ق. آغاز و تا سال ۱۲۴۳ هـ.ق. ادامه یافت. در ابتدا موفقیت‌های چشمگیری نصیب ایران شد و قشون عباس‌میرزا توانست بیشتر نواحی از دست رفته بر اساس عهدنامه گلستان را باز ستاند. نیکلا امپراطور روسیه با درک اوضاع، یرمولوف فرمانده نبرد قفقاز را عزل و پاسکویچ را جهت جبران ناکامی‌ها به جای وی گماشت و او موفق‌تر از سلف خود عمل نمود و علاوه بر جبران شکست‌ها، اراضی جدیدی را نیز متصرف شد. به زودی اوچ کلیسا توسط پاسکویچ تسخیر شد و نیروهای روس قلعه عباس‌آباد را محاصره کردند. عباس‌میرزا به همراه سردار ایروان برای محافظت از این قلعه شتافت (مارکام، ۱۳۶۷: ۶۳). مقاومت جانانه عباس‌آباد در برابر نیروهای پاسکویچ روس در جریان دور دوم جنگ‌های ایران و روس تحسین همگان را برانگیخت. قلعه‌ای که «به تدبیر مهندسان تربیت‌یافته حضرت ولیعهد به طرح فرنگ ساخته شده بود و جان‌پناه آن چهار ذرع خاک عرض داشت و بیوتات داخل آن از صدمه گلوله خمپاره محفوظ بود؛ به هیچ وجه خرابی نیافته [...]» (مستوفی انصاری، ۱۳۴۹: ۵۳-۵۴). اما سرانجام نفاق درونی و وعده‌های فریبنده پاسکویچ به فرماندهان قلعه، مقاومت آن را در هم شکست و عباس‌آباد در ۲۷ ذی الحجه سال ۱۲۴۲ هـ.ق. توسط قوای روسیه اشغال و برای همیشه از ید تصرف ایران خارج

شد.^۱

رستم‌الحکما درباره سقوط قلعه عباس‌آباد و برخی دیگر از قلاع نظامی ایران در جریان آخرین جنگ ایران و روس می‌نویسد: «... محاربه عظیمه بین دولتین وقوع یافت و غلبه استیلا و فتح و ظفر در سایه رأیت فلک‌سای نواب همایون ما قرار گرفت که ناگاه از نیرنگ‌های فلک نیلوفری، پنج حاکم پدرکشته متأذی شده را که وزرای کودن ناهوشیار ما در قلاع عباس‌آباد و مرند و ایروان و تبریز و سردارآباد نصب نموده بودند، از راه نامردی و بی‌دینی، ابواب قلاع مذکوره را به خواهش نفس اماره بر روی لشکر روسی گشودند» (الحسینی - الموسوی‌الصفوی، ۱۳۸۶: ۳۳۸). رستم‌الحکما در مکتوبی دیگر نیز از اینکه جماعتی نفاق‌پیشه «چند قلعه بسیار سخت استوار مانند، قلعه ایروان و قلعه عباس‌آباد و مرند و سایر قلاع دیگر و شیروانات را به تصرف روس دادند»، ابراز تأسف کرده است (الحسینی‌الموسوی - الصفوی، ۱۳۸۶: ۴۵۸-۴۵۹).

سرانجام، جنگ در تاریخ سوم ربیع‌الثانی ۱۲۴۳ هـ.ق. با تصرف شهر تبریز توسط قوای روس، خاتمه یافت و عباس میرزا با انعقاد معاهده ترکمان‌چای، مجبور به قبول صلحی با شرایط تحمیلی بسیار سنگین شد. قلعه عباس‌آباد در آن دوران به مرتبه‌ای از شهرت رسیده بود که هنگام انعقاد عهدنامه ترکمان‌چای، در مشخص نمودن خطوط مرزی جدید و دقت بخشیدن بدان، از نام این قلعه استفاده می‌شود (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۴۴: ۳). در تعیین خطوط سرحدی، نصف‌المیاه ارس (خط میانی عرض رود ارس)، مرز بین دولتین ایران و

۱ - میرزا فضل‌الله شیرازی (خاوری)، از خیانت احسان‌خان نخجوانی در این جریان سخن به میان آورده و اینکه روس‌ها بعد از استیلا بر قلعه عباس‌آباد، به خاطر این خدمت بزرگ، حکومت نخجوان را بدو دادند. احسان‌خان آخرین خان نخجوان بود و بعد از الغای نظام خانی در اراضی قفقاز، روس‌ها وی را نایب‌الحکومه خود در نخجوان قرار دادند. احسان‌خان به دلیل شجاعت‌هایش در جنگ کریمه مفتخر به دریافت نشان «جرجی مقدس» شد و نام او با حروف طلا در سالن «کرمین جورجی» نگاشته شد. (شیرازی، ۱۳۸۰: ۶۴۹؛ *Naxçivan ensiklopedyası*, c1, 2005; 142). خیانتی که ناجوانمردانه بر عباس‌میرزا روا شد، تأثیر عمیقی هم بر وجدان عمومی جامعه گذاشت؛ بعدها مردم موضوع نفرین عباس‌میرزا و نگون‌بختی خائنان و شهرهای خیانت‌پیشه را مطرح کردند. برای مثال علی بن محمد، مهندس مخصوص ناصرالدین شاه قاجار، درباره خرابی شهر مرند نوشته است که «به قرار مذکور خرابی مرند و خوانین آنجا به جهت نفرین مرحوم ولیعهد طاب ثراه هست که در وقت دعوای روسیه اهل مرند بی‌وفایی کردند، نظر علی‌خان پیش افتاده روسها را از دره دزد به مرند آورد[...].» (علی بن محمد، ۱۳۸۴: ۵۶).

روس توافق شد و لهذا اراضی شمالی رودخانه تماماً به مالکیت روس‌ها درآمد و قلعه عباس - آباد نیز چون در ساحل شمالی رود ارس واقع بود، مشمول این سرنوشت شد. در قرن حاضر و طی سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۵۳ ه.ش. / ۱۹۷۱-۱۹۶۳ م. به هنگام ساخت و آبیگری سد ارس، متأسفانه بقایای قلعه عباس‌آباد به زیر دریاچه سد رفت و اینک مکان آن در زیر آب قرار دارد (Naxçıvan ensiklopedyası, c1, 2005, s7).

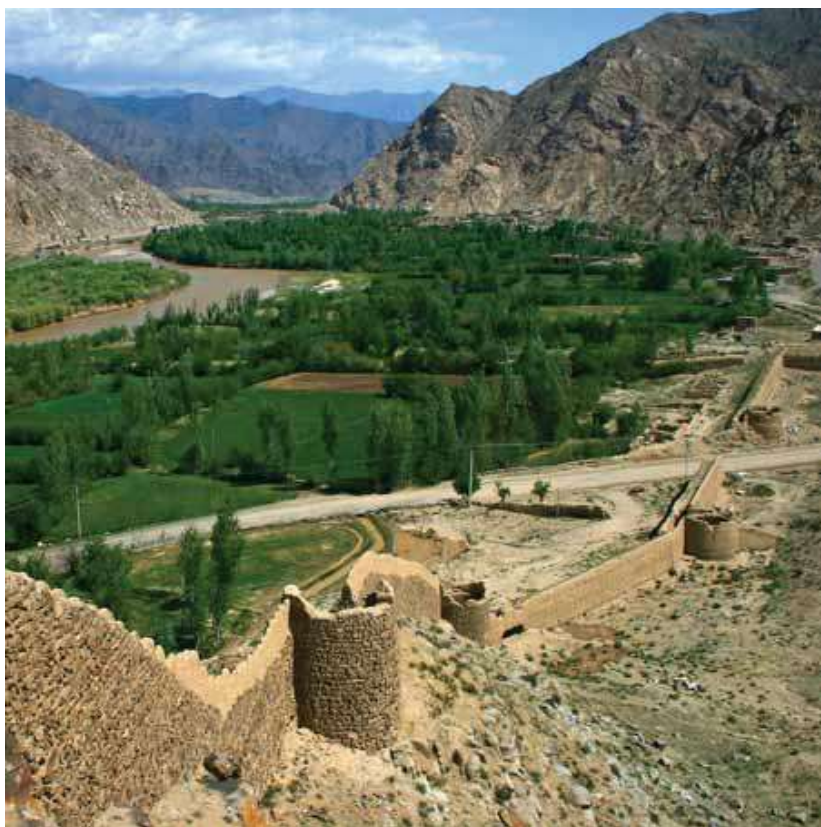
۷- نتیجه

جنگ‌های ایران و روس، استمداد دولت ایران از دولت فرانسه جهت مقابله با روس‌ها و انعقاد معاهده فین‌کنشتاین ۱۲۲۲ ه.ق. / ۱۸۰۷ م.، روحیه تجدد طلبانه و به تبع آن غرب‌گرایانه عباس میرزا نایب السلطنه قاجار به عنوان فرمانده نظامی این جنگ‌ها، زمینه بهره‌مندی دولت ایران از مستشاران نظامی اروپایی را فراهم ساخت. بخشی از این کمک‌های مستشاری به مطالعاتی در باب دفاع غیرعامل در جبهه‌های جنگ معطوف شد و در قالب مکان‌یابی، طراحی و ساخت قلاع نظامی واقع سواحل رود ارس، قلاع کوردشت و عباس‌آباد، تبلور یافت.

در مکان‌یابی مربوط به ساخت بناهای نظامی ضرورت‌های ناشی از تجربه دور نخست جنگ‌های ایران روس دخیل بود. چرا که در این وهله از نبرد، صورت جنگ ایرانیان از تهاجم به دفاع بدل گشته و عرصه پیکار از اراضی مرکزی قفقاز جنوبی به خط ساحلی رود ارس پس کشیده شده بود. همچنین تجارب پیشینیان در انتخاب مکان ساخت قلاع کاملاً مورد استفاده قرار گرفت. چنانکه کوردشت بر بقایای قلعه اوراتویی گاوور و قلعه صفوی کوردشت ساخته شد و عباس‌آباد وارث قلعه تاریخی یزدآباد گشت.

بر اساس اطلاعات مندرج در منابع دو قلعه کوردشت و عباس‌آباد در فاصله زمانی نزدیک به یکدیگر ساخته شدند. به نحوی که عباس‌آباد در ۱۲۲۵ ه.ق. / ۱۸۱۰ م. و کوردشت در ۱۲۲۶ ه.ق. / ۱۸۱۱ م. بنیان نهاده شد. در ساخت این قلاع بیشترین نقش را مستشاران نظامی فرانسه، علی‌الخصوص مهندسی موسوم به موسیو لامی ایفا نمود. این فعالیت‌ها می‌بایست در سال آخر حضور این هیئت متشاران نظامی ژنرال گاردان در ایران

۱۲۲۳هـ.ق / ۱۸۰۹م. صورت گرفته و تداوم آن به همت مهندسان ایرانی تحت تربیت همین مستشاران نظامی انجام پذیرفته باشد. مستشاران نظامی انگلیسی که پس از این سال جایگزین مستشاران نظامی فرانسه شدند، نقش نسبتاً جزئی در تکمیل این قلاع را ایفا نمودند و بدین ترتیب معماری نظامی اروپایی برای نخستین بار در ایران رخنه نمود.



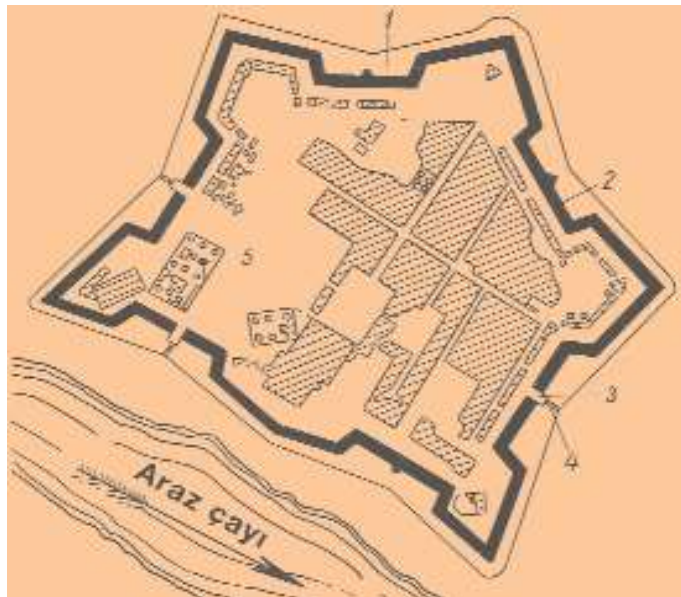
قلعه کوردکشت و رود ارس

(مجموعه آثار تاریخی و طبیعی منطقه آزاد ارس، ۱۳۸۸: ۳۸)



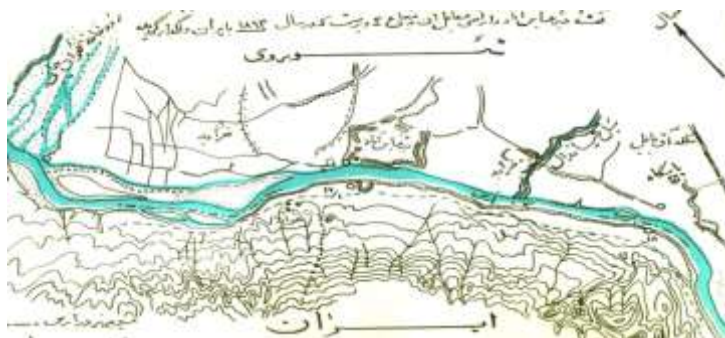
عباس آباد در نقشه تاریخی مربوط به ۱۸۹۰م.

(آذربایجان احوال جغرافیه و تقسیمات سیاسیه سیله اصول ادره‌سی، ۱۳۳۴: ۳۸)



پلان قلعه عباس آباد

۱- خندق ۲- دیوار قلعه ۳- دروازه ۴- پل ۵- چشمه
(Naxçıvan ensiklopedyası, c1, 2005, s7).



قلعه عباس آباد و متعلقات آن در جنوب رود ارس

(انوری، ۱۳۹۴: ۲۷۷).



بقایای قلعه یزدآباد نخجوان

(Naxçıvan abidələri ensiklopediyası, 2008, s 225)



بقایای قلعه یزدآباد نخجوان

(Naxçıvan abidələri ensiklopediyası, 2008, s 225).



بقایای قلعه یزآباد نخجوان

(Naxçıvan ensiklopedyası, c2, 2005, s356).



پلان قلعه یزآباد نخجوان

(Naxçıvan ensiklopedyası, c2, 2005, s356).

منابع و مأخذ

- آذربایجان احوال جغرافیه و تقسیمات سیاسی سیله اصول اداره‌سی (۱۳۳۴)، ترجمه: نظمی، استانبول: مطبعه عسکریه.
- آوری، پیتر، و دیگران (۱۳۸۷)، تاریخ ایران در دوره افشار، زنده و قاجار، ترجمه: مرتضی ناقبفر، تهران: جامی.
- اتکین، موریل (۱۳۸۲)، روابط ایران و روس (۱۸۲۸-۱۷۸۰)، ترجمه: محسن خادم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- اصغریان جدی، احمد (۱۳۸۶)، الزامات معمارانه در دفاع غیرعامل پایدار، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷)، تاریخ منظم ناصری، ج ۳، تهران: دنیای کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (بی‌تا)، المآثر و الآثار، تهران: کتابخانه سنایی.
- انوری، امیرهوشنگ (۱۳۹۴)، اطلس تاریخی نقشه‌ها و تصویرهای جغرافیایی آذربایجان، تهران: ندای تاریخ.
- ایران اردوسی تاریخچه‌سی (۱۳۲۶)، استانبول: مطبعه عسکریه.
- بایبوردی، حسین (۱۳۴۱)، تاریخ ارسباران، تهران: کتابخانه ابن سینا.
- بن‌تان، اگوست (۱۳۵۴)، سفرنامه بن‌تان، ترجمه: منصوره اتحادیه، تهران: چاپخانه سپهر.
- پیوترووسکی، بوریس ب. (۱۳۸۱)، اورارتو، ترجمه: رشید برناک، تهران: اندیشه نو.
- تبریزی، محمد حسین بن خلف (۱۳۴۲)، برهان قاطع، ج ۲، به اهتمام: محمد معین، تهران: کتابفروشی ابن سینا.
- تبریزی، میرزا احمد (۱۳۸۸)، «تاریخ قدیم آذربایجان (اردبیل و تبریز)»، تعلیقه و حواشی: هادی هاشمیان، پیام بهارستان، دوره دوم، شماره چهارم.
- تبریزی، میرزا محمد کریم (۱۲۶۰)، برهان جامع، تبریز: دارالانطباق حاج محمد حسین امین الشرع.
- ترکمان، اسکندر بیگ (۱۳۸۲)، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح: ایرج افشار، ج ۲، تهران: امیر کبیر.
- تقوی اصل، سیدعطا (۱۳۸۴)، ژئوپلتیک جدید ایران، تهران: وزارت امور خارجه.
- جلالی عزیزیان، حسن (۱۳۷۸)، تاریخ مرند (مرند، جلفا، زنوز، هادیشهر)، مشهد: گوهر سیاح.

- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰)، *مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران*، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- جونز، سر هارفورد (۱۳۸۶)، *روزنامه سفر خاطرات هیئت اعزامی انگلستان به ایران*، ترجمه: مانی صالحی علامه، تهران: نشر ثالث.
- جهانگیر میرزا قاجار (۱۳۲۷)، *تاریخ نو*، به سعی و اهتمام: عباس اقبال، تهران: کتابخانه و انتشارات علمی.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۴)، *از تسار تا تسهر*، تهران: دانشگاه تهران.
- الحسینی الموسوی الصفوی، محمد هاشم (رستم الحکماء) (۱۳۸۶)، «داستان سؤال و جواب حکیمان»، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، ج ۱، تصحیح و تحشیه: غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- الحسینی الموسوی الصفوی، محمد هاشم (رستم الحکماء) (۱۳۸۶)، «شمس الانوار» (قانون السلطنه)، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، ج ۱، تصحیح و تحشیه: غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- خاماچی، بهروز (۱۳۷۰)، *فرهنگ جغرافیای آذربایجان شرقی*، تهران: سروش.
- دروویل، گاسپار (۱۳۷۰)، *سفر در ایران*، ترجمه: منوچهر اعتماد مقدم، تهران: شباویز.
- دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۵۱)، *مآثر سلطانیه*، به اهتمام: غلامحسین صدری افشار، تهران: ابن سینا.
- دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مآثر سلطانیه*، به کوشش: فیروز منصوری (از روی نسخه موزه بریتانیا)، تهران: اطلاعات.
- دوما، ژ.ب. (۱۳۶۱)، *یادداشت‌های ژنرال تروه‌زل در سفر به ایران*، ترجمه: عباس اقبال، تهران: فرهنگسرا.
- دیانت، ابوالحسن (۱۳۶۷)، *فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها*، ج ۱، تبریز: نیما.
- رضا قلی میرزا قاجار (۱۳۴۶)، *سفرنامه رضا قلی میرزا*، تصحیح: اصغر فرمانفرمایی قاجار، تهران: دانشگاه تهران.
- ستاره، علی‌اکبر، سعید زنگنه شهرکی، سیدعلی حسینی (۱۳۸۹)، *آمایش و مکانیابی از منظر پدافند غیرعامل*، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۴۵)، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، ج ۱، تهران: بهزاد.
- شیرازی، میرزا فضل‌الله (خاوری) (۱۳۸۰)، *تاریخ ذوالقرنین*، ج ۱ و ۲، تصحیح: نادر افشارفر،

- تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- علی بن محمد (۱۳۸۴)، *روزنامه سفر از تبریز تا ماکو*، به کوشش: هیرمند حساس صدیقی، تهران: وزارت امور خارجه.
- فرزادشاد، مصطفی (۱۳۸۶)، *مبانی نظری معماری در دفاع غیرعامل*، تهران: جهان جام‌جم.
- فیودور کورف، بارون (۱۳۷۲)، *سفرنامه بارون فیودور کورف*، ترجمه: اسکندر ذبیحیان، تهران: فکر روز.
- قرباغی، میرزا یوسف (۱۳۹۰)، *تاریخ صافی*، تصحیح: حسین احمدی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۱۱)، *فرهنگ کاتوزیان*، تهران: مطبعه علمی.
- کبیرصابر، محمدباقر (۱۳۹۰)، *درآمدی بر اصول بازشناسی پایداری سازه‌ای در معماری ایرانی*، (رساله دکتری)، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰)، *ایران و قضیه ایران*، ج ۱، ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- لاکهارت، لارنس (۱۳۸۰)، *انقراض سلسله صفویه*، ترجمه: اسماعیل دولتشاهی، تهران: علمی و فرهنگی.
- لسان‌الملک سپهر، میرزا محمدتقی (۱۳۴۴)، *ناسخ التواریخ سلاطین قاجار*، تصحیح: محمدباقر بهبودی، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- لسترنج، گای (۱۳۸۳)، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه: محمد عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
- مارکام، کلمنت (۱۳۶۷)، *تاریخ ایران در دوره قاجار*، ترجمه: رحیم فرزانه، تهران: نشر فرهنگ ایران.
- *مجموعه آثار تاریخی و طبیعی منطقه آزاد ارس* (۱۳۸۸)، جلفا: روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان منطقه آزاد تجاری صنعتی ارس.
- مستوفی انصاری، میرزا مسعود (۱۳۴۹)، *تاریخ احوال عباس میرزا نائب‌السلطنه*، تصحیح: فرهاد میرزا معتمدالدوله، به کوشش: محمد گلبن، تهران: کتابخانه مستوفی.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۹۱۳)، *نزهةالقلوب*، تصحیح: گای لیسترانج، لیدن: مصحح.
- موسوی طبری، سید مصطفی (۱۳۵۳)، *عباس میرزای قاجار: شرح حال و سیادت و خدمات او*،

- تهران: ابن سینا.
- میرسلیم، مصطفی و همکاران (۱۳۷۵)، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱، تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.
- نادر میرزا قاجار (۱۳۶۰)، *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*، با مقدمه، شرح و تنظیم: محمد مشیری، تهران: اقبال.
- والدبورگر، آندراس (۱۳۷۹)، *مبلغان آلمانی در ایران*، ترجمه: علی رحمانی و دیگران، تهران: وزارت امور خارجه.
- هدایت، رضا قلی خان (۱۳۷۳)، *فهرس التواریخ*، تصحیح: عبدالحسین نوایی و میر هاشم محدث، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هوپر، لئونارد جی، دروگ، مارتا جی (۱۳۸۶)، *امنیت و طراحی سایت*، ترجمه: محمدجواد رحمانی، تهران: شهیدی.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۶)، *تاریخ روابط خارجی ایران: از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی*، تهران: امیرکبیر.
- *Azərbaycan dilinin izahlı lüğəti* (2006), c2, Bakı: Şərq-Qərb.
- Əlizadə, Həsən İxfa (2006). *Şuşa şəhərinin tarixi*, transliterasiya: N. Axundov, Qarabağnamələr, c3, Bakı: Şərq-qərb.
- Gardane, Alfred (1865), *Mission de general Gardane en Perse sous le premier empire*, Paris: Librairie de AD. Laine.
- Xəzani, Mir Mehdi (2006). *Kitabi-tarixi-Qarabağ*, müqəddəmə və şərhlər: Akif Fərzəliyev, transliterasiya: A. Fərzəliyev və A. Ramazanov, Qarabağnamələr, c2, Bakı: şərq-qərb.
- Mirzə Adigözəl Bəy (2006). *Qarabağnamə*, Qarabağnamələr, c1, Bakı: şərq-qərb.
- *Naxçıvan abidələri ensiklopedyası* (2008), Naxçıvan: Azərbaycan milli elmlər akademiyasının Naxçıvan bölməsi.
- *Naxçıvan ensiklopedyası* (2005), cild 1, Naxçıvan: Azərbaycan milli elmlər akademiyasının Naxçıvan bölməsi.
- *Naxçıvan ensiklopedyası* (2005), cild 2, Naxçıvan: Azərbaycan milli elmlər akademiyasının Naxçıvan bölməsi.